

زمینه‌های شفافیت اطلاعات و عدالت اقتصادی از دیدگاه نهج البلاغه

رضا حاجیان* / مصطفی دلشاد تهرانی** / محمدرضا امینی حاج‌آبادی***

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۴ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۱۱

چکیده

فساد، تبعیض، نابرابری محصول نامیمون عدم شفافیت و عدم دسترسی آزاد مردم به اطلاعات است. حکومت بدون توجه به اصل شفافیت و دسترسی آزاد مردم به اطلاعات نمی‌تواند به عدالت اقتصادی و نتایج آن دست یابد. شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات، معیار و سازوکاری مناسب و زمینه‌ساز برای تحقق عدالت اقتصادی است. سلامت روابط و مناسبات اقتصادی، پیشرفت اقتصادی، دستیابی به اهداف اقتصادی، مبتنی بر عدالت، در گرو شفافیت روابط اقتصادی است. برای تحقق عدالت اقتصادی، رفاه و تامین اجتماعی زمینه‌ها و بسترهایی وجود دارد، از جمله: حذف دیوانسالاری، وضع قوانین متقن و ضمانت اجرایی آن، قانون‌گرایی، پرهیز از انحصارطلبی، وجود فضای نقد در جامعه، صداقت بیان، پاسخگویی و گزارش‌دهی مسئولان، نفی احتجاب مسئولان؛ این مقاله در تلاش است با رویکرد نوین، این زمینه‌ها و بسترها را از دیدگاه امام علی علیه السلام از منابع روایی و تاریخی، به‌ویژه نهج‌البلاغه مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که ایجاد شفافیت و دسترسی مردم به اطلاعات از طرف حکومت، شرط اساسی اصلاح نظام اقتصادی و تحقق عدالت اقتصادی است. هراندازه شفافیت بیشتر و بهتر شود، گستره عدالت بیشتر می‌شود.

واژگان کلیدی

شفافیت اطلاعات، عدالت اقتصادی، حکومت علوی.

alihajian_131@gmail.com
delshadtehrani@gmail.com
mrahaj110@gmail.com

*. دانشجوی دکتری و مربی دانشگاه پیام نور. (نویسنده مسئول)
**. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث، پردیس تهران.
***. استادیار دانشگاه پیام نور.

طرح مسئله

شفافیت و جریان آزاد اطلاعات از ویژگی‌های اقتصاد سالم و غیررانتی است. ارتقا جایگاه اقتصاد در هر جامعه‌ای، مستلزم وجود شفافیت در فعالیتهای اقتصادی آن جامعه است. نتیجه عدم شفافیت اطلاعات که به دلیل اخلال در جریان آزاد اطلاعات صورت می‌گیرد، اقتصاد را به سمت اقتصاد انحصاری و رانتی سوق می‌دهد و فرآیند توسعه اقتصادی جامعه را با موانع جدی مواجه می‌کند. در شرایط پنهان‌نمایی اطلاعات، اقتصاد از وضعیت شفافیت فاصله می‌گیرد و روند توسعه از مدار خارج و رفاه جامعه کاهش می‌یابد. مسئله اصلی این پژوهش، بررسی تاثیر شفافیت و تبادل آزاد اطلاعات بر عدالت اقتصادی در حکومت علوی است. آیا شفافیت و آزادی اطلاعات، رفاه و عدالت اقتصادی را سامان می‌بخشد؟ زمینه‌ها و بسترهایی که شفافیت و آزادی اطلاعات را به وجود می‌آورد، کدامند؟ با توجه به آموزه‌ها و سیره علوی، شفافیت اطلاعات و اطلاع‌رسانی دقیق وظیفه حکومت است. وی می‌فرماید:

قسمتی از امور است که باید خودت به انجام آنها برخیزی، از جمله پاسخ دادن به کارگزاران دولت، آنجا که منشیان تو از پاسخ‌گویی ناتوانند و جواب دادن به حاجات و مطالب مردم. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

هدف اصلی شفافیت این است که اطلاعات صحیح در دسترس عموم قرار گیرد. در اندیشه امام علی علیه السلام توجه به قاعده اصحار^۱ وظیفه مسئولان است. مسئولان نباید چیزی را از مردمان بپوشانند؛ اساس حکومت مردم هستند و باید همه چیز به آگاهی و اطلاع مردم برسد. پنهان داشتن اطلاعات از مردم - جزء اینکه سری از اسرار حکومت باشد و با نشان دادن رموز و اسرار، دشمن بر آن واقف گردد و به ضرر مردم تمام شود، - جایز نیست. بدون وجود شفافیت در ارائه اطلاعات، امکان اصلاح اقتصاد، از فساد، تبعیض، رانت وجود ندارد.

فرضیه پژوهش این است که شفافیت و عدالت در نهج‌البلاغه و در نظام اقتصادی حکومت علوی با مبنای توحیدی می‌تواند به عنوان یک الگوی برتر، طرح و کاربردی شود.

۱. *إِنْ ظَلَنْتِ الرَّعِيَّةَ بِكَ حَيْفًا فَأَصْحِرْ لَهُمْ بِعُدْرِكَ وَاعْدِلْ عَنْكَ طُنُونَهُمْ بِأَصْحَارِكَ*: (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) اگر رعیت بر تو به ستمگری گمان برد، عذر خود را آشکارا با آنان در میانه نه و با این کار از بدگمانیشان بکاه.

بیان مسئله

در این نوشتار تلاش می‌شود با بررسی و تحلیل زمینه‌ها و بسترهای شفافیت و آزادی اطلاعات در حکومت امام علی علیه السلام تحقق عدالت - به‌ویژه در حوزه اقتصاد که نخستین گفتمان حضرت در زمان بیعت بود - را با استفاده از سیره حکومتی آن حضرت در نهادینه‌سازی زمینه‌های مورد نظر با تکیه بر نهج‌البلاغه مورد کاوش قرار دهد. در این راستا با روش تحلیلی - توصیفی و تکیه بر منابع کتابخانه‌ای مولفه‌ها و زمینه‌های مورد نظر استخراج می‌شود و تحقق عدالت که دغدغه اصلی حضرت بود در پی آن تبیین می‌گردد. در این راستا تلاش می‌شود تا علت تحقق عدالت به ویژه در حوزه اقتصادی با کاربست زمینه‌ها و بسترهای مورد نظر بیان شود.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی درباره شفافیت و پاسخ‌گویی، مبارزه با فساد اداری - اقتصادی صورت گرفته است. انصاری (انصاری، ۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «مفهوم، مبانی و لوازم آزادی اطلاعات» شفافیت را از مبانی آزادی اطلاعات می‌داند. وی افزون بر توضیح مفهوم و مبانی آزادی اطلاعات به اصول و راهکارهای اجرایی آن اشاره می‌کند. یافته‌های کورگارد^۱ و همکارانش (کورگارد و همکارانش، ۱۹۹۵) حاکی از آن است که هرچه شفافیت بیشتر باشد اعتماد و تعهد بیشتری حاصل می‌شود. غفاری (غفاری، ۱۳۸۶) در «نظام اقتصادی صدر اسلام»، سهولت دستیابی به اطلاعات را پیشگیری از معاملات نادرست و باطل می‌داند. خلف‌خانی (خلف‌خانی، ۱۳۸۸) با «بررسی سرمایه اجتماعی و فساد اداری»، به این نتیجه رسیده که بین هنجارهای مشترک، اعتماد به دیگران مبنی بر رعایت قانون و جدیت نهادهای نظارتی برای پیشگیری از فساد رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. رجایی (رجایی، ۱۳۸۹) در بیان «ویژگی‌های بازار اسلامی در نظریه و عمل»، به بیان انگیزه‌های الهی در نظام اقتصاد اسلامی اشاره و آن را دلیل اصلی برای پرهیز از پنهان‌کاری اطلاعات می‌داند که سبب شفافیت و کارکرد قوی آن می‌شود. کاناگارتتم^۲ (کاناگارتتم، ۲۰۱۰) در پژوهش «تاثیر شفافیت بر اعتماد سازمانی»، افزایش شفافیت را سبب افزایش اعتماد در روابط متقابل سازمانی دانسته و اعتماد که به تبع شفافیت به وجود می‌آید را

1. Kordgaard.
2. Kanagaretnam.



عنصر زیربنای فعالیت‌های اقتصادی دانسته است. حسنی و شمس (حسینی و شمس، ۱۳۹۱) در پژوهش «راهکارهای مبارزه با فساد اداری بر اساس ارزش‌های اسلامی»، نتیجه می‌گیرند فساد حاصل عدم پاسخ‌گویی، انحصارطلبی، فقدان شایسته‌سالاری، عدم مسئولیت‌پذیری، عدم شفافیت می‌باشد. زندیه و سالاری (زندیه و سالاری، ۱۳۹۲) در بیان «شفافیت اسنادی و حق دسترسی آزاد به اطلاعات»، به این نتیجه رسیده‌اند که به هر میزان آزادی اطلاعات بیشتر و مردم از آگاهی بالاتری برخوردار باشند نه تنها حکومت از ثبات و آرامش بیشتر برخوردار خواهد بود، بلکه دسترسی به دموکراسی و حقوق بشر بیشتر خواهد بود. سردارنیا و شاکری (سردارنیا و شاکری، ۱۳۹۳) در «تبیین حکمرانی خوب در نهج‌البلاغه با رویکرد روشی زمینه‌گرا» به مولفه‌های حکمرانی خوب از جمله قانون‌گرایی، فسادستیزی، پاسخ‌گویی، جلب مشارکت مردم با استفاده از نهج‌البلاغه و به تبیین موضوع می‌پردازد. ابوعلی (ابوعلی، ۱۳۹۳) در پژوهشی تاثیر اعتماد بر فضای اخلاقی و پاسخ‌گویی سازمان را مثبت و معنا دار بیان کرده است. بحری (بحری، ۱۳۹۴) در مقاله‌ای با موضوع «سنجش فساد و سلامت اداری در شهرداری تهران»، قوی‌ترین مولفه در تامین سلامت اداری را پاسخ‌گویی دانسته است. موسوی خامنه و همکاران (موسوی خامنه و همکاران، ۱۳۹۵) در پژوهش «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت سازمانی با تاکید بر شفافیت و پاسخ‌گویی» دریافته‌اند بین سرمایه اجتماعی و سلامت سازمانی و ابعاد آن از جمله شفافیت و پاسخ‌گویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در بیشتر پژوهش‌ها، فساد اداری و مبارزه با آن از نگاه مردم مورد بررسی قرار گرفته است، اما مشخص شد شفافیت و آزادی دسترسی به اطلاعات، عامل اصلی عدالت و رفاه اقتصادی به‌شمار می‌رود. از آنجاکه موفق‌ترین حکومت تاریخ از نظر عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد، حکومت علوی بود؛ این پژوهش بر آن است تا تاثیر شفافیت و عدالت اقتصادی از منظر امیرمومنان علیه السلام در نهج‌البلاغه مورد واکاوی قرار گیرد.

ادبیات پژوهش

در ادبیات پژوهش، به تبیین اصطلاحات کاربردی پژوهش، شفافیت و عدالت پرداخته شده است.

۱. شفافیت اطلاعات

معنای لغوی شفافیت، شفاف، آشکار و روشن بودن و عدم پنهان‌کاری، (زندیه و سالارسروری، ۱۳۹۲: ۱۲۰) چیزی که از بیرون و درون قابل مشاهده باشد. (لگزیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۹۴)



عدم پنهان کاری اطلاعات و ارائه اطلاعات کامل و پاسخ‌گویی صحیح را می‌توان از معانی شفافیت دانست. برخی شفافیت را با توجه به عناصرش تعریف کرده‌اند: بصیرت، دانش و دسترسی عمومی به اطلاعات موجود مهم‌ترین عناصر شفافیت هستند. (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۴۰) سازمان بین‌المللی شفافیت می‌نویسد:

شفافیت اصلی است که افراد بتوانند از تصمیم‌های اداری، معاملات تجاری و امور خیریه‌ای که زندگی آنها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، نه فقط از اصل موضوع، بلکه از موضوعات مختلف و شیوه‌های تصمیم‌گیری آنها مطلع شوند؛ وظیفه و تکلیف مدیران این است که رفتار آنها قابل رویت، پیش‌بینی و درک باشد. (زندیه و سالارسروی، ۱۳۹۲: ۱۲۰)

هدف اصلی شفافیت، قرار گرفتن اطلاعات لازم در اختیار مردم تا ابهامی برای مردم باقی نماند. شفافیت در دسترس قرار دادن اطلاعات به ذی‌نفعان است تا کارگزاران مردم را برای مشارکت و تحقق دموکراسی، به خود جلب کنند. از ویژگی‌های اصلی حکمرانی خوب را شفافیت، پاسخ‌گویی، مشارکت مردم، حاکمیت قانون دانسته‌اند. (زارعی، ۱۳۸۳: ۱۶۲) هرچند در مورد مفید بودن اصل شفافیت اطلاعات، در کشورهای مختلف اتفاق نظر وجود دارد، ولی در ارائه اطلاعات به مردم، یکسان عمل نمی‌شود. (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۳۸) سلامت سازمانی را دارای ۹ بعد اصلی: شفافیت، قانون‌گرایی، پاسخ‌گویی، انضباط اداری - مالی، شایسته‌سالاری، الگوی مصرف و بهره‌وری، کنترل و نظارت داخلی، آموزش موثر و سامانه الکترونیکی دانسته‌اند. (همان: ۱۴۹) شفافیت کاراترین و مهم‌ترین وسیله برای پیشگیری و مبارزه با فساد و ایجاد عدالت اقتصادی است. از نگاه امام علی علیه السلام، حاکمان خدمت‌گزاران و خزانه‌داران مردم‌اند و حکومت امانت است (نهج‌البلاغه، نامه ۵)، مردم اصل‌اند (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۲، نامه ۵۴، حکمت ۲۲)؛ از این‌رو حاکمان موظفند - جز اسرار نظامی (نهج‌البلاغه، نامه ۵۰) و حریم خصوصی مردم (همان: ۵۴) - اطلاعات لازم را در اختیار مردم قرار دهند و خود نیز در دسترس مردم باشند. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) در قرآن کریم (بقره / ۲۸۲) و روایات؛ (حرعاملی، ۱۴۰۷: ۱۷ / ۴۰۵ و ۴۰۶) بر اصل شفافیت در امور مختلف به‌خصوص مسائل اقتصادی تأکید شده است. اصطلاحات دیگری ملازم شفافیت است که در قرآن و روایات دیده می‌شود از جمله: صراحت، (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) صداقت و پرهیز از دروغ‌گویی و کتمان، (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶) پاسخ‌گویی، (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) پرهیز از تبانی،



کلینی، ۱۴۰۷: ۵ / ۵۵۹؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۷ / ۴۵۸) وفای به عهد. (اسراء / ۳۴) پاسخ‌گویی، تعهد به جواب‌گویی در برابر مسئولیت پذیرفته شده است. (موسوی خامنه و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۰) تا مسئولان در انجام مسئولیت‌های واگذار شده صادقانه عمل کنند. شفافیت، زایده عناصری چون سیاست‌های دسترسی به اطلاعات آزاد و فعالیت‌های رسانه‌ای سالم و آزاد است که افزون بر اطلاع‌رسانی و شفافیت، به پیشگیری از فساد و حاکمیت عدالت می‌انجامد. (ناعمه، ۱۳۹۰: ۱۸) هرگاه شفافیت وجود داشته باشد، عدالت همگام با آن ایجاد می‌شود.

۲. عدالت اقتصادی

عدالت در لغت به معنای حدوسط، دور از افراط و تفریط و راست و مستقیم آمده است. (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۲ / ۱۱۵۴؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۹ / ۱۹۸) عدالت در نگاه امیرمومنان علیه السلام مایه روشنی چشم حاکمان است. «آنچه بیشتر دیده والیان بدان روشن است، برقراری عدالت در شهرها و میان رعیت دوستی پدید شدن است». (نهج البلاغه، نامه ۵۳) عدالت اصطلاحی است که در قاموس و سیره علی علیه السلام نهادینه و گسترش یافته و سراسر زندگی حضرت را فراگرفته است. امام علی علیه السلام علت پذیرش بیعت مردم را عدالت‌خواهی و زدایش ظلم و ستم اقتصادی دانسته‌اند. وی عدل را معیار و میزان خدا و ظلم و ستم را ملاک شیطان می‌داند؛ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۲۴) در اندیشه امام علی علیه السلام مهمترین عاملی که سبب هلاکت و نابودی دولت‌ها می‌گردد، ظلم بر مردم است. (دلشادتهرانی، ۱۳۸۷: ۲۱۷) حکومتی با ظلم و ستم ادامه نمی‌یابد؛ (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰ / ۳۰۴) ظلم و ستم، مردم را از همراهی با حکومت باز می‌دارد. اگر حقوق مردم - که از مهم‌ترین آنها دانستن و آزادی اطلاعات است - ادا شد، حقوق دیگر در پی آن تحقق می‌یابد. ارتقاء عقلانیت، تصمیمات کارشناسی‌شده و کارایی در فرآیند تصمیم‌گیری از نتایج شفافیت است. (زندیه و سالارسروی، ۱۳۹۲: ۱۲۳) عدالت اقتصادی مبتنی بر شفافیت و اطلاعات آزاد است.

عدالت در نهج البلاغه در معانی و کاربردهای مختلفی به کار رفته است:

الف) قرار گرفتن هر چیزی در جای خودش؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۶، حکمت ۴۳۷) که معنای عام عدالت است؛

ب) انصاف‌ورزی؛ علی علیه السلام عدل را برابر و مساوی انصاف می‌داند. (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۱؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۸۶) انصاف در روابط اجتماعی به معنای حفظ حقوق دیگران همانند حقوق خود است؛



ج) مساوات، برابری و رفع تبعیض؛ (قاضی نعمان، ۱۳۸۵: ۱ / ۳۸۴) تا امکانات به‌طور مساوی در اختیار مردم قرار گیرد؛

د) اعتدال و میانه‌روی؛ هر چیزی باید در حد تعادل و به دور از افراط و تفریط باشد. (بقره / ۱۴۳؛ نهج البلاغه، نامه ۵۳؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۵۳) تعادل و پرهیز از افراط و تفریط از شاخصه‌های عدالت به‌شمار می‌رود؛

ه) رعایت حقوق؛ از کلیدی‌ترین مفاهیم نهج البلاغه، رعایت حقوق است. در بینش حضرت علی علیه السلام هر حقی باید به صاحب آن داده شود تا حق عزیز و منزلت خود را به دست آورد. (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶) نشانه‌های عدالت با پاسداشت حقوق آشکار می‌شود و حق ارزشمند می‌گردد. حضرت از حقوق مسلم مردم را آگاه بودن به مسائل جامعه می‌دند. (نهج البلاغه، خطبه ۳۴؛ نامه ۵۰) حق با تکلیف دو روی یک سکه و مکمل هم هستند. هر جا تکلیفی هست، حق هم وجود دارد. رعایت حقوق و تعهد بر انجام تکالیف سبب برقراری عدالت و عدم پابندی بر هر کدام، موجب ظلم و بی‌عدالتی می‌گردد. باید مردم به اطلاعات دسترسی داشته باشند تا درخواست نقد، مشورت‌دهی و همراهی و همکاری مردم با حکومت معنا پیدا کند.

مبانی نظام اقتصادی حکومت علوی

سرچشمه مبانی بینشی و ارزشی حضرت علی علیه السلام، قرآن، آموزه‌های نبوی و مقام امامت است که نگاه وی را نسبت به انسان، جهان، هستی و جامعه، توحیدی می‌کند. در بیش توحیدی حضرت، رابطه خدای متعال با جهان هستی عادلانه است؛ زیرا افزون بر افاضه وجود بر اساس قابلیت‌ها، هر پاداش متناسب با عملکرد خواهد بود. گسترش عدالت موجب افزایش برکات و ظلم، سبب از بین رفتن برکات و نعمت‌ها می‌گردد؛ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۴۶ و ۴۵۸) در بینش اقتصاد توحیدی امام علی علیه السلام، منابع اقتصادی محدود نیست؛ حاکم باید جهت دستیابی به منابع بیشتر برای رفاه عموم و توزیع مناسب و عادلانه تلاش کند و با وضع قوانین صحیح و متقن و همراه کردن مردم به‌عنوان ولی نعمتان و با بالابردن بهره‌وری و ارتقاء رفاه عمومی فقر و ناداری را از بین ببرد. امیال شخصی، تبعیض، رانت، احتکار، رباخواری، دروغ‌گویی، گران‌فروشی، کم‌فروشی در نظام اقتصادی حضرت جایگاهی ندارد. در بینش امام علی علیه السلام همه چیز متعلق به مردم است و محبوب‌ترین امور آن است که مورد توجه و رضایت اکثریت مردم قرار گیرد؛ (نهج البلاغه، نامه ۵۳)



حاکم حق ندارد کاری برخلاف رضایت مردم انجام دهد و چیزی را از دید مردم پنهان دارد؛ حاکمان خادمان و خزانه‌داران مردم هستند. (نهج البلاغه، نامه ۵ و ۶؛ یعقوبی، بی‌تا: ۲ / ۲۰۲) در نتیجه مخفی و پنهان کردن اطلاعات و عدم شفافیت معنایی ندارد، بلکه باید سیاست‌های اقتصادی طبق مصالح مردم انجام شود. در بینش توحیدی حضرت برای تحقق این اهداف، به لوازم آن از جمله شفافیت و دسترسی آزاد اطلاعات و پاسخ‌گویی تاکید شده است تا دستیابی به عدالت اقتصادی و رفاه عمومی حاصل شود.

نظام اقتصادی عدالت محور حکومت علوی

دوران حکومت امام علی علیه السلام پس از دوره ۲۵ ساله خلفا شکل گرفت؛ دوره‌ای بسیار کوتاه همراه با درگیری‌های داخلی بود. حضرت وضعیت اقتصادی مردم را هنگام بیعت و خیم و ناعادلانه ترسیم می‌کند؛ برای بهبود وضعیت معیشتی و اقتصادی مردم بسیار تلاش کردند که از جمله آنها بسترسازی برای تحقق عدالت اقتصادی از جمله تاکید بر شفافیت اطلاعات در حوزه اقتصادی و حکومت بود که ثمره آن، مدتی پس از زمامداری، بهبود وضعیت اقتصادی مردم بود. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۲ / ۹۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۰ / ۳۲۷)

نخستین اقدام امام علی علیه السلام پس از بیعت مردم، توجه به عدالت اقتصادی بود. امام علیه السلام علت پذیرش حکومت را جلوگیری از ستم اقتصادی و یاری رساندن به مظلومان دانسته است. (نهج البلاغه، خطبه ۳) در دوره کوتاه زمامداری، جهت نهادینه شدن عدالت اقتصادی، با هر خلاfi از جمله: جهالت، حق‌پوشانی، فساد، تبعیض و رانت مقابله کردند. از قرار گرفتن حکومت در دست ناشایستگان و اهمه داشتند تا مبادا در پی آن به مردم ظلم شود. «دریغم آید که بی‌خردان و تبهکاران این امت حکمرانی را به دست آرند و مال خدا را دست به دست گردانند». (نهج البلاغه، نامه ۶۲) در بینش امام علی علیه السلام، عدالت اقتصادی در پی شفافیت اطلاعات به دست می‌آید و عدالت موجب سلامت و رفاه اقتصادی می‌شود. حضرت می‌فرماید:

از عدل خود لباس عافیت بر تنتان کردم و با گفتار و کردار خویش، معروف را میان شما گستردم. (نهج البلاغه، خطبه ۸۷)

حضرت به پوشاندن لباس عافیت و راحتی که نتیجه عدالت و سلامت است، تاکید می‌کند. در خطبه ۲۱۶ پایبندی به حقوق متقابل حاکم و مردم که یکی از آنها اطلاع‌رسانی، آگاه‌سازی و



مشارکت مردم است را نشانه برپایی عدالت در جامعه و ستم حاکمان بر مردم را مایه فساد همه بخش‌ها می‌داند. امیرمؤمنان علیه السلام با توجه به مبانی توحیدی و اصول و روش‌های اقتصادی، پس از مدتی کوتاه با افتخار اعلام می‌نماید:

کسی از مردم کوفه نیست، مگر اینکه دارای وضعیت مطلوبی است و می‌تواند از نان گندم، مسکن و آب آشامیدنی مطلوب (آب فرات) برخوردار گردد. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۲ / ۹۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۰ / ۳۲۷؛ در مورد مناطق دیگر ر.ک: نهج‌البلاغه، نامه ۶۷)

حضرت در مدت کوتاهی با دانش، تخصص، برنامه‌ریزی و شایسته‌سالاری و همراهی مردم وضعیت اقتصادی را به‌طور نسبی سامان بخشید که تامین اجتماعی و رفاه عمومی را به‌دنبال داشت. شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات، پاسخ‌گویی مسئولان، عدم خودپوشانی، رفع تبعیض و رانت‌خواری، اصلاح‌کننده نظام اقتصادی است که زاینده عدالت است. عدالت تدبیرکننده‌ای است عام که در سایه آن همه بهره‌مند می‌گردند و به حقوق خود می‌رسند.

زمینه‌ها و بسترهای شفافیت

با توجه به مبانی توحیدی امام علی علیه السلام در نظام اقتصادی، مولفه‌هایی که بسترساز شفافیت و آزادی اطلاعات است تا سبب سامان بخشی اقتصاد گردد و عدالت و رفاه اقتصادی را به‌وجود آورند، عبارتند از:

۱. حذف دیوان‌سالاری

حذف دیوان‌سالاری اداری به‌معنای پاسخ‌گویی به درخواست‌ها و شکایت‌های مردم در کوتاه‌ترین زمان است که از بسترهای ایجاد شفافیت و تبادل آزاد اطلاعات به‌شمار می‌رود. تا زمانی که روند اداری با پیچیدگی همراه باشد، ارائه اطلاعات صحیح به مردم ممکن نخواهد بود. حضرت کارگزاران را به حذف مناسبات پیچیده اداری در موارد مختلف دستور می‌دهد و بر تامین عادلانه نیاز اقشار مختلف به‌طور مستقیم تاکید می‌ورزد. «قسمتی از امور است که باید خودت به انجام آنها برخیزی ... جواب دادن به حاجات و مطالب مردم در همان روزی که حاجاتشان به تو می‌رسد ... یتیمان را عهده‌دار باش و کهن‌سالانی را که چاره‌ای ندارند و دست سؤال پیش نمی‌آرند ...» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) سوده همدانی که شکایت مامور زکات را نزد حضرت بازگو نمود، حضرت با



وجود قیام برای نماز، به درخواست سوده رسیدگی کرد و ضمن رسیدگی به آن، مامور را مورد مواخذه قرار داد. (ابن طیفور، بی تا: ۴۹ - ۴۸) تا با حذف مناسبات اداری بیهوده نیازهای مردم رفع و چیزی از مردم مبهم و پوشیده نماند.

حضرت کارگزاران را بر دادرسی و پاسخ‌گویی سریع شکایات مردم امر می‌فرماید:

اگر یکی از آنان (کارگزاران) دست به خیانتی گشود، و گزارش جاسوسان تو بر آن خیانت هم‌داستان بود، بدین گواه بسنده کن و کیفر او را با تنبیه بدنی، بدو برسان و آنچه به دست آورده بستان. سپس او را خوار بدار، و خیانت کار شمار و طوق بدنامی را در گردنش در آر. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

حضرت بر کوتاه شدن مدت دادرسی تاکید می‌کند تا با پاسداشت عدالت، شفافیت صورت گیرد و اطمینان مردم را نسبت به اجرای عدالت بیشتر شود. تا نظام اداری بسامان وجود نداشته باشد امکان شفافیت و تبادل آزاد اطلاعات وجود نخواهد داشت. امیرمومنان علیه السلام درباره برخورد سریع با فساد می‌نویسد:

زمان دریافت نامه، ابن‌هرمه را از کار برکنار و خیانت او را به مردم معرفی کن، او را زندانی و رسوایش کن و کار او و عقوبتش را به همه اعلام کن تا درس عبرت شود و در این کار کوتاهی مکن. (قاضی نعمان، ۱۳۸۵: ۲ / ۵۳۲؛ در مورد مصقلة بن هبيرة، ر.ک: ابن‌هلال ثقفی، ۱۴۱۰: ۱ / ۲۴۷)

برخورد سریع با فساد و عدم پیچیدگی نظام‌های قضایی و اقتصادی سبب آشکارسازی و شفافیت شده و فضای امن فساد و نابرابری را از مسئولان می‌گیرد و عملکردشان را اصلاح می‌کند. در نامه ۷۱ به منذر بن جارود، ضمن بیان گزارش، درباره خیانت‌اش، از وی می‌خواهد برای پاسخ‌گویی نزد حضرت بشتابد. حذف دیوان سالاری و رسیدگی سریع به شکایات و تخلفات، قبل از کاهش اثر از اصول اقتصادی امیرمومنان علیه السلام است، دیوان سالاری سبب ایجاد فضای دور باطل و پنهان‌کاری در مسئولان خواهد شد.

۲. وضع قوانین متقن و اجرای آن

وضع قوانین متقن، صحیح و عادلانه و اجرای دقیق آن بستر ساز شفافیت در جامعه است. قوانین افزون بر کارآمدی، لازم است به‌درستی اجرا شود. بیش توحیدی حضرت بر قانون مداری خدای



متعال حکایت دارد. وی به بی‌قانونی و بی‌برنامه‌گی خلفای پیشین اشاره می‌کند و هدف از پذیرش زمامداری را توجه بر قوانین عادلانه و ظلم‌ستیزی به‌خصوص در حوزه اقتصادی می‌داند. (نهج‌البلاغه، خطبه ۳) امام علی علیه السلام در خطبه ۱۵ بر قانون نفی تبعیض، رانت‌خواری، ویژه‌خواری و قوم‌گرایی اشاره می‌کند و بر عدالت و رفاه اقتصادی از طریق کسب درآمد با کار و تلاش اقتصادی و قانونمندی تاکید می‌کند. حضرت در دستورالعمل‌های متعدد قوانین عادلانه‌ای را وضع کرده است. «در کار خراج چنان بنگر که اصلاح خراج دهندگان در آن است، ... باید نگرستنتت به آبادانی زمین بیشتر از ستدن خراج بود، ... اگر از سنگینی - مالیات - شکایت کردند، یا از آفتی که - به کشت - رسیده، ... بار آنان را سبک گردان چندان که می‌دانی کارشان سامان پذیرد بدان». (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) حضرت در عبارت‌های فوق و مشابه آن به بیان قوانینی می‌پردازد که همگان را به کار آید. توجه به مالیات و مالیات‌دهندگان، شایسته‌سالاری و استخدام نیروها و مدیران با آزمون و یا در وصیت ۲۵، به‌طور جزئی به قانون دریافت زکات و مالیات به دور از رفتارهای اخلاقی ناشایست می‌پردازد و در ابتدای دستورالعمل حکومتی به مالک اشتر به وضع چهار قانون کلی (دریافت مالیات، ساماندهی و اصلاح کار مردم، آبادکردن شهرها و پیکار با دشمنان) اشاره می‌نماید که سه مورد آن به‌طور مستقیم قانون‌گذاری در حوزه مسایل اقتصادی است.

امیرمومنان علیه السلام محبوب‌ترین قوانین برای کارگزاران را برپایی عدالت دانسته است. «باید از کارها آن را بیشتر دوست بداری که نه از حق بگذرد و نه فروماند، عدالت را فراگیرتر بود و رعیت را دلپذیرتر»؛ (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) با گسترش دامنه عدالت، همگان بهره‌مند و امور حکومت مورد رضایت مردمان خواهد بود، از این‌رو در پاسخ سهم بیشتر برخی می‌فرماید: «اگر مال از آن من بود، همگان را برابر می‌داشتم ...» حضرت آن را مخالف حق و قانون دانستند و تاکید کردند اگر آن مال متعلق به خودش بود به مساوات تقسیم می‌نمود حال آنکه آنها دسترنج مردم است و تبعیض جایز نیست. حضرت در عبارت «آیینی را مینه که چیزی از سنت‌های نیک گذشته را زیان رساند» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) بر وضع قوانین عادلانه و عمل به آن تاکید می‌کند. در سیره اقتصادی امام علی علیه السلام لزوم وضع قوانین عادلانه و اجرای آن که منجر به عدالت و رفاه اقتصادی شود، ضروری است. حضرت علت روگردانی مردم از خلفا و حکومت‌های گذشته را وجود قوانین تبعیض‌آمیز و برخورداری مالی عده‌ای از خواص دانسته است.

۳. قانون‌گرایی

تخطی از قانون، خط قرمز حکومت علوی است. امام علی علیه السلام قوانین خدای متعال را عادلانه‌ترین و خود مقیدترین فرد در عمل به قانون بود. زمانی که بیت‌المال را تقسیم می‌کردند، مسئول تقسیم، مقدار بیشتری برای حضرت در نظر گرفتند که با توبیخ و ناراحتی وی روبه‌رو شد و بلافاصله بین مردم تقسیم نمود (ابن هلال ثقفی، ۱۴۱۰: ۱ / ۳۸ - ۳۷؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۳۷: ۲ / ۱۹۹) و از قانون عام تقسیم بیت‌المال تخلف نکرد. در دوره خلفا - خلیفه سوم (مفید، ۱۴۱۳: ۱۸۳ و ۱۸۴) - قانون‌گرایی تضعیف شد؛ افرادی از سهم بیشتری برخوردار شدند؛ بی‌عدالتی‌ها، قانون‌گریزی‌ها و تبعیض‌ها گسترده شد. حضرت قبل از پذیرش بیعت، حجت را بر مردم، تمام و بازگشت به قانون و عدالت را نوید دادند و بخش عمده‌ای از اموال به تراج رفته را به بیت‌المال بازگرداندند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۶۹) در بینش امیرمومنان علیه السلام هیچ‌کس موقعیت فراقانون ندارد، هرکس در هر مقام و منزلتی بایستی به قانون عمل کند. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۲: ۲۹۰) فرهنگ قانون‌گریزی سبب هرج‌ومرج، بی‌اعتمادی و نابودی دارایی‌ها و رخت بر بستن شفافیت و عدالت می‌گردد. امام با جدیت در مقابل قانون‌گریزی ایستاد و اجازه قانون‌شکنی به اطرافیان و نزدیکان نداد (نهج‌البلاغه، نامه ۴۱) و بر پایبندی به قانون سخت اصرار ورزید.

امیرمومنان علیه السلام قانون و حق‌مداری را ملازم یکدیگر می‌دانست و معتقد بود مصلحت‌گرایی باعث انحراف از عدالت می‌شود. بدترین شکنجه‌ها را خوش‌تر از ستم بر بندگان خدا می‌دانست. (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۲۴) عدالت را برابر با قانون‌گرایی می‌داند و می‌نویسد:

والی را نزدیکان است و خویشاوندان که خوی برتری جستن دارند ... ریشه ستم اینان را با بریدن اسباب آن برآر. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

به اعتقاد حضرت زیاده‌خواهان قانون‌گریز همه جا و همیشه هستند، ولی حاکم باید با جدیت و قانونمند مقابل آنها بایستد و مورد تطمیع آنها قرار نگیرد. پایبندی به قانون در بینش حضرت علی علیه السلام سبب عدم پنهان‌کاری و شفافیت در ارائه اطلاعات به مردم می‌شود. همان‌طور که قانون‌گریزی و عدم پایبندی به قانون خودبه‌خود شفافیت اطلاعات را از بین می‌برد و فساد و رانت در حکومت به‌خصوص فساد و تبعیض اقتصادی را پدید می‌آورد و مسیر توسعه و رفاه اقتصادی را مختل می‌کند. حضرت با بیان ریشه‌کن کردن اسباب ستم و فساد، به توجه به قانون و اجتناب از قانون‌گریزی که مقدمه فساد است، توجه می‌دهد.

۴. آزادی بیان و فضای نقد در جامعه

آزادی بیان و نقد در جامعه از حقوق اولیه افراد به‌شمار می‌رود. خدای متعال انسان را آزاد و مسئول آفریده است. (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱) حضرت از کارگزاران می‌خواهد زمانی را با مردم بدون پاسبانان در نظر بگیرید، به طوری که آزادانه و بدون لکنت و ترس، خواسته خود را بیان کنند، تا حقوق ناتوانان از ظالمان گرفته شود. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) مردم نیز باید همچون دیده‌بانانی تیزبین مشکلات و خلاف‌کاری‌ها را گزارش کنند. از نظر امام علی علیه السلام حکومت امری بشری است و امکان خطا و اشتباه برای انسان وجود دارد، از این‌رو چشمان تیزبین جامعه باید هر لحظه شاهد عملکرد کارگزاران باشد و خطا و اشتباه‌های آنان را برای اصلاح گوشزد کند، بر این اساس می‌فرماید:

آن کس که شنیدن سخن حق بر او گران افتد و نمودن عدالت بر وی دشوار بود، کار به حق و عدالت کردن بر او دشوارتر است. از گفتن حق، یا رأی زدن در عدالت باز مایستید؛ (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶)

مشارکت و نظارت مردم نباید برای کارگزاران و مسئولان ناخوشایند باشد؛ زیرا افزون بر اینکه حکومت به خودی‌خود مقدس نیست، عناصر حکومت (مردم) معصوم نیستند. کارگزاران انتخابی حضرت، گاه شایستگی لازم را نداشتند یا به لحاظ خطاپذیری انسان، پس از مسئولیت از مسیر صحیح منحرف می‌شدند. (ر.ک: نهج‌البلاغه، نامه‌های ۳، ۲۰، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۷۱) در مواردی، با بیان بعضی از اشکال‌ها در تصمیم‌گیری، خود را نقد می‌کند (خطبه ۶۸) و با این کار فضای نقد را برای دیگران می‌گشاید. علی علیه السلام با وجود مخالفت خوارج فرمود: «اگر اعتراض کنند با دلیل با آنها گفتگو می‌کنیم و سهم آنها را پرداخت خواهیم کرد.» (بلاذری، ۱۴۱۷: ۲ / ۳۶۱) آزادی فضای نقد ضمن جلب مشارکت و همراهی مردم، زمامداران را با نبض حکومت آشنا می‌کند. در مواردی که نقد سازنده و صحیح است مورد استفاده قرار می‌گیرد و در صورت نادرست بودن، سبب ایجاد آرامش و کاهش فشار اجتماعی می‌شود.

در نگاه و عملکرد حضرت علی علیه السلام لزوم آموزش و اطلاع‌رسانی به مردم در همه حوزه‌ها وجود دارد ما از این‌رو کارگزاران لازم است اطلاعات و آگاهی‌های لازم را در اختیار مردم قرار دهند و از طرفی مردم با توجه به اطلاعات در دسترس در خصوص آنها قضاوت می‌کنند و در مواردی که تخلف و تناقضی مشاهده کنند، می‌توانند با فراغ بال به نقد بپردازند و محدودیتی برای آنها وجود ندارد. در نتیجه وجود فضای نقد در جامعه به ویژه در حوزه‌های

اقتصادی - همان‌گونه که گزارش تخلفات اقتصادی کارگزاران برای حضرت گزارش می‌شد - سبب شفافیت عملکرد مسئولان می‌شود.

۵. پاسخ‌گویی و گزارش‌دهی

بر مبنای بینش امیرمومنان علیه السلام همگان مسئول اند (اسراء / ۳۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲ / ۳۸) و برای مردم حق پرسش‌گری قائل‌اند. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۲) بر همین مبنا حضرت از کارگزاران و مسئولان گزارش دوره‌ای می‌خواستند و به‌صورت مقطعی به بازرسی و حسابرسی آنها می‌پرداختند، چنان‌که به یکی از کارگزاران می‌نویسد:

به من خبر داده‌اند تو کشت زمین را برداشته و آنچه پایت بدان رسیده برای خود نگاه داشته‌ای، آنچه در دستت بوده خورده‌ای. حساب خود را به من باز پس بده. (نهج‌البلاغه، نامه ۴۰)

آن حضرت در نامه‌ای کارگزاری را مامور حسابرسی مناطق عراق می‌کند تا حساب مالی آن منطقه را کامل گزارش کنند. (یعقوبی، بی‌تا: ۲ / ۲۰۴) ارائه گزارش مالی و حسابرسی دوره‌ای در حکومت علوی امری معمول بوده است، تا ضمن شفاف‌سازی عملکردها برای مردم تخلفات احتمالی مشخص گردد. حق دسترسی آزاد به اطلاعات و شفافیت، مقدمه پاسخ‌گویی است. (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۴۳) پاسخ‌گویی بدون وجود شفافیت اطلاعات بی‌معنا است. حضرت برای مردم حق پرسش‌گری قائل‌اند؛ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۲) و مسئولان را مکلف به پاسخ‌گویی و گزارش‌دهی می‌دانند. ضمن گزارش‌دهی از مردم می‌خواهد از او سوال کنند (نهج‌البلاغه، خطبه‌های ۱۸۹ و ۹۳) تا ابهامی برای مردم نماند. کارگزاران را از پوشاندن اطلاعات و استبداد و درشت‌گویی منع می‌کرد. (همان: ۱۸) به کارگزاران تاکید می‌کند به‌خاطر کار زیاد، از پاسخ‌گویی غافل نشوند. وی می‌نویسد:

قسمتی از امور است که باید خودت به انجام آنها برخیزی، از جمله پاسخ دادن به کارگزاران دولت، آنجا که منشیانت از پاسخ‌گویی ناتوانند و جواب دادن به حاجات و مطالب مردم. (همان: ۵۳)

به‌جهت اهمیت پاسخ‌گویی، مرکزی را برای پاسخ‌گویی و رسیدگی، به نام بیت‌القصص تشکیل دادند. (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۳۷: ۱۷ / ۸۶) امام علی علیه السلام عدم شفافیت و پاسخ‌گویی را سبب



غرور و تکبر و تقدس موهوم می‌شمارد. برخلاف دوره قبل که سیاست مالی بر بذل و بخشش استوار بود و خلیفه به کسی اجازه بازخواست نمی‌داد. (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۲ / ۳۴۱ - ۳۳۵) ولی امام علی علیه السلام مسئولان را کلیدداران خطاب کرده که بایستی به صاحبان کلید پاسخ‌گو باشند. (نهج‌البلاغه، نامه ۵)

در سیره حضرت علی علیه السلام پاسخ‌گویی کارگزاران و مدیران لازمه کار مدیریت بوده است و کارگزاران نباید مسئله‌ای را از مردم بپوشانند. حضرت خود نیز بدین امر پایبند بودند و بدان عمل می‌کردند و کارگزاران را هم ملزم به پاسخ‌گویی می‌نمودند. ارائه گزارش مالی و توجه به قاعده اِصْحار و شفاف‌سازی را وظیفه مسئولان می‌داند. اِصْحار و پاسخ‌گویی سبب شفافیت و آزادی دسترسی با اطلاعات را فراهم می‌آورد و شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات سبب عدالت اقتصادی و رفاه اجتماعی می‌گردد.

۶. نفی احتجاب مسئولان

احتجاب و پنهان بودن مسئولان از مردم و گماشتن دربانان و نگهبانان از موانع شفافیت، پاسخ‌گویی و اطلاع‌رسانی است که به فساد اقتصادی می‌انجامد و بی‌اطلاعی از واقعیت‌های جامعه را در پی دارد. نخستین کسی که در صدر اسلام از مردم فاصله گرفت، معاویه بود. (یعقوبی، بی تا: ۲ / ۲۳۲) امام علی علیه السلام با این رویه مخالفت نمود و مسئولان را از فاصله گرفتن از مردم برحذر داشت، آن حضرت می‌فرماید:

خود را از رعیت پنهان مکن که پنهان شدن والیان از رعیت نمونه‌ای است از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در کارها ... والی انسانی است که آنچه را مردم از او پوشیده دارند، نداند. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

مسئولان بایستی بخشی از وقت خود را با مردم بگذرانند و ضمن پاسخ‌گویی، به‌طور محسوس از وضعیت جامعه مطلع شوند. ایشان در نامه‌ای به قثم بن عباس می‌نویسد:

دو طرف روز را به‌خاطر آنان بنشین ... بین تو و مردم پیام‌رسانی جز زبانت و دربانی جز چهره‌ات نباشد. (همان، نامه ۶۷)

ایشان در نامه‌ای به قیس بن سعد وی را از احتجاب و در پرده شدن و عدم پاسخ‌گویی

روی خود را از مردم مپوشان، خانهات را به روی همگان بازدار؛ زیرا آن کس که تکیه گاهش حق و حقیقت باشد، نزدیکان و خواص را بر دیگران مقدم ندارد. (یعقوبی، بی‌تا: ۲ / ۲۰۲)

احتجاب و خودپوشانی، ایجاد بی‌عدالتی و انحراف اقتصادی را به دنبال دارد. در فرایند توسعه عدالت و رفاه اجتماعی، احتجاب و خودپوشانی کارگزاران و مدیران بی‌معنا است. توسعه نظام اقتصادی و ارتقاء رفاه عمومی بدون وجود کارگزاران لایق و توانا ممکن نیست. از ویژگی‌های لازم برای مدیران عدم احتجاب و در دسترس بودن برای مردم است؛ زیرا با توجه به قاعده إحصار مدیران لازم است در لحظه بدگمانی مردم به‌طور پیشگیرانه اطلاعات لازم را در اختیار مردم قرار دهند تا ضمن رفع شبهات، بدگمانی‌ها و عذرهای رفع شود.

۷. صداقت بیان

صداقت، بیان و در میان گذاشتن همه حقایق بدون کاستی و پنهان‌کاری و عامل اساسی در روابط اجتماعی سالم است. از مظاهر فقدان صداقت بیان، تبلیغات خلاف واقع، دروغ، فریب، غش، تبانی، خلف وعده، بی‌انصافی است. (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۳ و ۱۰۵) صداقت، عدم دروغ‌پردازی و خلط اطلاعات با موارد خلاف واقع، بیان ناقص و یا بیان محاسن و پنهان کردن معایب است. در بینش اماما علی علیه السلام مردم محرم‌اند و دروغ جایگاهی ندارد. (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱؛ حکمت ۱۸۵) در خبطه ۱۶ سوگند یاد می‌کند نه دروغی گفته و نه چیزی را از مردم پوشانده است. به اعتقاد حضرت، مردم دنبال‌ه رورهبران خود هستند (اریلی، ۱۳۸۱: ۲ / ۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۲ / ۸) اگر صالح باشند و به صداقت و عدالت رفتار نمایند، مردم نیز بر همان مسلک خواهند بود. معاویه را به علت حق‌پوشانی و عدم صداقت بیان مورد نکوهش قرار می‌دهد. (نهج‌البلاغه، نامه ۶۴) حضرت در پاسداشت صداقت و توجه بر حقوق مردم به‌شدت توجه داشت. زمانی که بر خیانت مصقله آگاه شد، او را از خیانت در بیت‌المال و عدم دروغ‌گویی در بخشش اموال به خویشاوندان نهی نمود. (نهج‌البلاغه، نامه ۴۳) در نامه ۵۳ بهترین مدیران را کسی می‌داند که حق را با وجود ناخوشایندی مافوق بیان کنند، لذا کسانی باید در راس امور قرار گیرند که از صراحت و صداقت بیشتری برخوردارند. همچنین تاکید بر عقد قراردادهایی دارد که با

صداقت و صراحت همراه است و عدم صداقت در قراردادها را برابر با دشمنی خدا دانسته است. حکومت علوی بر مبنای صداقت استوار گردیده است اگر عدم صداقت در حکومت و به خصوص در حوزه اقتصاد و مسائل مالی رسوخ کند شالوده عدالت از هم می‌گسلد و عدالت اقتصادی و رفاه عمومی رخت برمی‌چیند. عدم صداقت و راستی برابر با عدم شفافیت است و عدم شفافیت برابر با بی‌عدالتی، تبعیض، رانت و فساد است.

۸. پرهیز از انحصارطلبی

از عناصر بازدارنده از شفافیت، انحصارطلبی و خودمحموری است. در نگاه حضرت علی علیه السلام انحصارطلبی امری پلید و ناپسند به‌شمار می‌رود و به‌شدت از آن نهی می‌کند: «إِيَّاكَ وَالْإِسْتِثَارَةَ». (نهج البلاغه، نامه ۵۳) هرگاه مسئولان شایستگی لازم را نداشته باشند، برای پوشاندن عیوب خود، اطلاعات صحیح به مردم ارائه نمی‌دهند؛ حقایق را می‌پوشانند و با دروغ، ناراستی‌ها را خوب جلوه می‌دهد. امام علی علیه السلام به‌شدت با انحصارطلبی به جهت آثار فسادآمیز آن مبارزه کرد. عوامل زیادی مانند: بی‌اعتنایی به حقوق مردم، حرص، بخل، خودخواهی در آن نقش دارند. حضرت همه راه‌های انحصارطلبی را بر مسئولان می‌بندد: «والی را نزدیکان است و خویشاوندان که خوی برتری جستن دارند و در معاملات انصاف را کمتر به‌کار بستن. ریشه ستم اینان را با بریدن اسباب آن برآر». (همان) درخصوص بازرگانان هم به برخورد جدی با انحصارطلبان تاکید می‌کند. «میان بازرگانان بسیار کسانی که معاملتی بد دارند، بخیلند و در پی احتکار و کالا را به هر بهای که خواهند می‌فروشند، این سودجویی زبانی است برای همگان و عیب است بر والیان». (همان) هرگونه زیاده‌خواهی و افزایش دارایی برای خود را در دوره مسئولیت نفی می‌کند. (ابن‌شهر آشوب، ۱۴۰۵: ۲ / ۹۸؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۳۷: ۲ / ۲۰۰) حضرت با ایجاد رقابت در اقتصاد تلاش کردند انحصار ایجاد نشود. رقبا در پی کسب رضایت خریداران و جلب سود بیشتر، منفعت جامعه را نیز تامین خواهند کرد. (تفضلی، ۱۳۷۲: ۹۶) وی هر روز صبح بر بازارهای کوفه نظارت می‌کرد، روزی به بازار گوشت‌فروشان می‌رفت، سپس به بازار خرمافروشان می‌رفت و به آنان تذکر می‌داد. (قاضی نعمان، ۱۳۸۵: ۲ / ۵۳۸) تا افزون بر تعادل و رشد، انحصار ایجاد نشود. بازارهای تخصصی در حکومت علوی روزبه‌روز بر دامنه و گسترششان افزوده شد؛ هر صنف بازار مخصوصی داشت؛ (شیخلی، ۱۳۹۶: ۷۳ و ۷۴) تا افزون بر آزادی خریداران و حق انتخاب آنها، انحصار پدید نیاید.

انحصارگرایی و استبداد رأی عاملی برای پوشاندن حقایق و اطلاعات است، افراد مستبد و انحصارطلب اجازه ورود مردم به حیطه تصمیم‌گیری، نظارت و کنترل را نمی‌دهند، از این‌رو با پوشاندن اطلاعات، عدم پاسخ‌گویی، اجازه شفاف‌سازی امور را نمی‌دهند. در نتیجه با پوشاندن اطلاعات، عدم پاسخ‌گویی و نقدناپذیری، اسباب رانت، تبعیض و فساد را به‌وجود می‌آورند؛ امیرمومنان به‌شدت با آن برخورد کرده و کارگزاران را از آن برحذر داشته است و مشورت و همراهی مردم را لازم و ضروری دانسته است.

نتیجه

حکومت امیرمومنان علی علیه السلام با بیعت عمومی مردم و در پی شروط حضرت در جهت لزوم همراهی مردم برای دفع ظلم و دستگیری مظلومان و ستم‌دیدگان آغاز گردید. نخستین اقدام حضرت تحقق عدالت اقتصادی بود که به رفاه و تامین اجتماعی انجامید که لازمه آن وجود بسترها و زمینه‌های شفافیت اطلاعات و همراهی مردم با حکومت بود. در بینش وی مردم ولی نعمتان و اساس حکومت و کارگزاران خدمت‌گزاران و خزانه‌داران حکومت هستند.

در این پژوهش شاخص‌های مهم شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات در حوزه اقتصاد از منظر امیرمومنان علیه السلام بررسی و مشخص گردید هر اندازه اطلاعات شفاف‌تر و دقیق‌تر در اختیار مردم قرار گیرد، اعتماد، همراهی و حمایت مردم بیشتر و حکومت پایدارتر خواهد ماند. هر اندازه آگاهی‌رسانی، اطلاعات و پاسخ‌گویی مسئولان ضعیف‌تر و مبهم‌تر باشد، اعتماد و حمایت مردم نسبت به حکومت و حاکمان کمتر خواهد شد. حذف دیوان‌سالاری سبب کور شدن روزه‌های فساد و ایجاد فرصت برای رانت‌خواران می‌شود. وضع قوانین درست و متنقن، قانون‌گرایی و ضمانت اجرایی آن سبب شفافیت و اجرای عدالت و فرصت‌گیری از قانون‌گریزان خواهد شد. توجه به قاعده‌ی اصحار، پاسخ‌گویی، رفع احتجاج، آزادی بیان و نقد در جامعه موجب روشنی عملکرد و عدم گریز کارگزاران و مدیران از مسئولیت خواهد شد و صداقت و راست‌گویی موجب خواهد شد شاه کلید همه مفاسد مسدود شود. و انحصارطلبی و استبدادگرایی از حکومت اسلامی رخت بریندد و شفافیت و دسترسی آزاد اطلاعات بروز و ظهور یابد و عدالت و رفاه اقتصادی فراگیر شود. شفافیت اطلاعات و عدالت اقتصادی و رفاه اجتماعی از رابطه‌ای دوسویه برخوردار است هر اندازه شفافیت و دسترسی مردم به اطلاعات بیشتر و بهتر باشد، عدالت اقتصادی بهتری ایجاد خواهد شد و بالعکس.



بررسی و تحلیل این مقاله نشان داد عزم جدی حکومت‌ها با ایجاد شفافیت اطلاعات در تعامل و تکریم مردم در اعتمادبخشی، همراهی و فراگیری عدالت اقتصادی بسیار موثر است. به لیل اینکه عدالت اقتصادی در گرو ایجاد شفافیت و دسترسی آزاد مردم به اطلاعات است، هر میزان بسترهای شفافیت اطلاعات بهبود و افزایش یابد، فساد کاهش و عدالت اقتصادی افزایش می‌یابد.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، ۱۴۱۸ ق، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، ۱۳۷۸، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۱۴.
- ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، ۱۳۳۷، شرح نهج البلاغه، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ ق، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹ ق، مناقب آل ائمه اطهار (ع)، قم، علامه.
- ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر، بی تا، بلاغات النساء، قم، الشریف الرضی.
- ابن هلال ثقفی، ابراهیم بن محمد، ۱۴۱۰ ق، الغارات، تصحیح عبدالزهراء حسینی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- ابوعلی، طاهره، ۱۳۹۳، تأثیر اعتماد بر فضای اخلاقی و پاسخگویی سازمان مطالعه موردی: شرکت پتروشیمی بندر امام خمینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.
- تفضلی، فریدون، ۱۳۷۲، تاریخ عقاید اقتصادی، تهران، نشر نی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- جعفری، سید محمد مهدی، ۱۳۸۱، پرتوی از نهج البلاغه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، موسسه آل البیت (ع).
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، سمت.



- دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۸۷، دولت آفتاب؛ اندیشه سیاسی و سیره حکومتی حضرت علی علیه السلام، تهران، دریا.
- _____، ۱۳۹۱، رخساره خورشید؛ سیره امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، تهران، دریا.
- _____، ۱۳۹۲، لوح بینایی؛ تحلیل تاریخ حکومت امام علی علیه السلام با تاکید بر نهج البلاغه، تهران، دریا.
- سعیدالشیخلی، صباح ابراهیم، ۱۳۹۶ ق، الاصناف فی العصر العباسی نشأتها و تطورها، بغداد، دار الحرية.
- غفاری، هادی، ۱۳۸۶، نظام اقتصادی در اسلام، تهران، دانشگاه پیام نور.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، کتاب العین، قم، هجرت.
- قاضی نعمان، نعمان بن محمد، ۱۳۸۵ ق، دعائم الإسلام، تحقیق آصف فیضی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ ق، الجمل والنصرة، تحقیق علی میرشریفی، قم، کنگره شیخ مفید.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، بی تا، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر.
- ب) مقاله‌ها**
- انصاری، باقر، ۱۳۸۶، «مفهوم مبانی و لوازم آزادی اطلاعات»، نامه مفید: نامه حقوقی، ش ۶۱، ص ۱۵۸ - ۱۳۷، قم، دانشگاه مفید.
- بحری، الناز، ۱۳۹۴، «سنجش فساد و سلامت در شهرداری تهران»، فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی، شماره ۱۵، ص ۹۶ - ۶۵.
- حسنی، علی و شمس، عبدالحمید، ۱۳۹۱، «راهکارهای مبارزه با فساد اداری بر اساس ارزش‌های اسلامی»، مجله اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ش ۱، ص ۱۰۴ - ۸۱.



- خلف‌خانی، مهدی، ۱۳۸۸، «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و فساد اداری»، راهبرد، ش ۵۳، ص ۵۶ - ۳۹.
- رجایی، سید محمد کاظم، ۱۳۸۹، «ویژگی‌های بازار اسلامی در نظریه و عمل»، معرفت اقتصاد اسلامی، ش ۱، ص ۹۸ - ۱۱۸.
- زارعی، محمدحسین، ۱۳۸۳، «حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران»، تحقیقات حقوقی، ش ۴۰، ص ۲۰۲ - ۱۵۶، تهران دانشگاه شهید بهشتی.
- زنده، حسن و سالارسروی، حسن، ۱۳۹۲، «شفافیت اسنادی و حق دسترسی آزاد به اطلاعات»، گنجینه اسناد، س ۲۳، دفتر اول، ص ۱۳۴ - ۱۱۶.
- سردارنیا، خلیل‌الله و حمید شاکری، ۱۳۹۳، «تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه‌گرا»، مطالعات حقوقی، ش ۴، ص ۵۳ - ۲۷، شیراز، دانشگاه شیراز.
- کاظمی، مصطفی و همکاران، ۱۳۹۱، «صداقت در مقایسه با شفافیت در بازار اسلامی»، معرفت اخلاقی، س ۳، ش ۲، ص ۱۱۶ - ۸۹، قم موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- لگزیان، محمد و همکاران، ۱۳۸۷، «مدل مفهومی روابط سازمانی مبتنی بر اعتماد و شفافیت و سازوکارهای کنترلی متناسب»، چشم انداز مدیریت بازرگانی، ش ۲۸، ص ۲۲۱ - ۱۸۵، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- موسوی‌خامنه، مرضیه و عابدی‌جعفری، حسن و محمدیان، محبوبه، ۱۳۹۵، «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی سازمانی و سلامت سازمانی (با تأکید بر شفافیت و پاسخ‌گویی)»، مطالعات رفتار سازمانی، ش ۱۸، ص ۱۷۶ - ۱۴۵.
- ناعمه، حسن، ۱۳۹۰، «شفافیت و مبارزه با فساد در انعقاد قراردادهای اداری ایران»، تحقیقات حقوقی، ش ۴، ص ۳۶ - ۹، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

ج) منابع لاتین

- Kanagaretnam, k. (2010), Trust and Reciprocity with Transparency and Repeated Interactions, *Journal of Business Research*, vol. 63, 241-247.
- Kordgaard, M. A, Schweiger, D.M, and Sapienza, H.J, (1995), Building Commitment, Attachment, and Trust in Strategic Decision-Making Teams: The Role of Procedural Justice, *The Academy of Management Journal*, Vol. 38, No. , pp. 60-84 .